

تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای شهر اهواز در دوره پهلوی (صفحات ۳۳ تا ۶۰)

<https://doi.org/10.71689/icsq.2025.1202360>

حامد حیاتی^۱

پنیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

چکیده

قرن ۱۹ را می‌توان عصر طلایی ملی‌گرایی نامید؛ لزوم ساخت‌وساز بناهای تازه و متعدد در حکومت پهلوی، زمینه بسیار مناسبی را برای بیان ملی‌گرایی با رویکرد باستان‌گرایی در معماری به وجود آورد. از این‌رو می‌توان گفت یکی از اهداف ملی‌گرایی در ایران، قرار دادن مفاهیم و علایق ملی و باستانی به جای مفاهیم و آیین‌های قومی و مذهبی بوده است. در این پژوهش پس از معرفی و تبیین اجمالی مبانی ملی‌گرایی به مسئله چگونگی تأثیرگذاری ملی‌گرایی بر معماری بناهای دوره پهلوی شهر اهواز پرداخته شده است. بنابراین، در این پژوهش سعی شده است تا تأثیر ملی‌گرایی به‌عنوان یک مفهوم سیاسی بر معماری این دوره در شهر اهواز بررسی و از این رهگذر برخی از ویژگی‌های معماری آن تبیین گردد. روشی که برای بررسی مسئله یادشده از آن استفاده شده، روش ترکیبی - مرکب از مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها و تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل داده‌ها - است. در ادامه با بازدید میدانی از بناهای حکومتی این دوره در شهر اهواز، ویژگی‌های کالبدی آن‌ها با روش تفسیری تاریخی تحلیل و تبیین گردید. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که اکثر عناصر ملی‌گرایانه به کار گرفته‌شده در معماری بناهای شهر اهواز صرفاً در نمای ساختمان دیده می‌شود و می‌توان گفت ملی‌گرایی و باستان‌گرایی در شهر اهواز خود را با ترکیب معماری مدرن با معماری سنتی خوزستان و با استفاده از مصالح نوین به نمایش می‌گذارد.

واژگان کلیدی: معماری، ملی‌گرایی، پهلوی، اهواز، باستان‌گرایی.

^۱ - استادیار معماری دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). hamedhayaty@yahoo.com

۱- بیان مسئله

شناخت معنا و مفاهیم سیاسی و تأثیرگذاری آن‌ها بر هنر و معماری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. یکی از این مفاهیم سیاسی که همواره در طول تاریخ به‌عنوان دستاویزی برای بازیابی هویت ملی مورد استفاده قرار گرفته، ملی‌گرایی است، اما احیای حس ملی-گرایی، خود مستلزم شیوه‌هایی برای بیان آن است. از جمله شیوه‌های به‌کاررفته در دوران پهلوی برای نیل به این مقصود، رجوع به گذشته و استفاده از عناصر معماری باستانی در معماری این دوران (به‌عنوان محملی برای بازتاب ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی) است؛ بنابراین، مسئله اصلی تحقیق حاضر، بررسی کالبدی عناصر باستانی به کار گرفته‌شده در معماری این دوران در شهر اهواز با هدف بازشناسی تأثیر این عناصر بر احیای حس ملی-گرایی و نتایج حاصل از آن است. به این منظور، ابتدا لازم است به برخی از تعاریف ارائه‌شده از ملی‌گرایی و ارتباط آن با باستان‌گرایی، به‌عنوان واژگان کلیدی تحقیق اشاره کرد.

ملی‌گرایی: نوعی آگاهی جمعی است، یعنی آگاهی به تعلق به ملت که آن را «آگاهی ملی» می‌خوانند. آگاهی ملی، اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، شور و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنت‌ها و عادت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و به‌طور کلی فرهنگ) است و گاه موجب بزرگداشت مبالغه‌آمیز از آن‌ها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌ها می‌شود (آشوری، ۱۳۸۵: ۳۲۰). پرچم ملی، سرود ملی و دیگر نمادهای هویت ملی، نشان‌هایی بسیار مهم از جوامع ملی‌گرا است. ملی‌گرایی به اصالت دادن به تعلقات قومی و ملی تعریف شده است. انسان به جهت پاره‌ای از تعلقات از قبیل سرزمین، زندگی مشترک، خون و نژاد و مانند آن، خود را از دیگران جدا شمرده و به قوم خاصی احساس تعلق می‌کند و توجه خود را به تأمین منافع ملی، حتی اگر مستلزم زیان دیگران هم باشد، معطوف می‌گرداند. این مسئله از علاقه‌مندی شروع می‌شود و آنگاه به افراط در نژادپرستی می‌رسد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۰). باستان‌گرایی به‌عنوان یکی از محورهای ایدئولوژی ملی‌گرایی ایرانی هدف دیگری را نیز دنبال می‌کرد و آن دین‌زدایی بود، چرا که پیوند جامعه ایرانی با تفکرات دینی و مبانی اخلاق مانع جدی در فرایند غرب‌گرایی و یا به‌اصطلاح، اصلاحات این دوره به شمار می‌رفت (آشوری، ۱۳۷۷: ۱۷۸). زبان، مذهب، فرهنگ و حتی عوامل اقلیمی و

جغرافیایی همیشه مجموعه‌ای بوده‌اند که سیاست‌های ناسیونالیستی را رقم زده‌اند؛ اما بدون تردید مهم‌ترین عامل ناسیونالیسم در میان یک ملت، پیشینه تاریخی است (کیانی، ۱۳۸۳: ۴۷). در ایران، تمامی مردم نقاط مختلف زبان‌ها و گویش‌ها و حتی مذاهب خود را با این تاریخ مشترک پیشینه واحد پیوند زده‌اند (کاتم، ۱۳۷۱: ۱۷-۲۹). ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) در ایران پدیده‌ای نبود که مانند علوم و فنون به‌تمامی از غرب به ایران راه یافته باشد، چرا که پیش از موضوع ملی‌گرایی (جدید) و فلسفه آن در اروپا، همه عوامل مؤثر آن در ایران وجود داشته است و این عناصر همچون زمین، ملت، نژاد، غرور، زبان، پیشینه قومی و تاریخی و حتی مذهب عناصری بودند که در خود ایران وجود داشت (پاکدامن، ۱۳۷۶: ۱۵۳). در آغاز قرن بیستم میلادی ملی‌گرایی نوین که تعریفی جهانی داشت، به شکل جدی به صحنه آمد. ملی‌گرایی ایرانی به‌خوبی از اهمیت آن آگاهی تاریخی اطلاع داشت و می‌دانست که این پیشینه تاریخی چگونه می‌تواند احساسات ملی‌گرایانه را اشاعه دهد. این مفهوم در آن دوره گسترش و اهمیت یافت و دولت پهلوی «نیز» تأکید خاصی بر آفرینش نوعی معماری ناسیونالیستی (سبک ملی) داشت (میری‌نژاد، ۱۳۹۲: ۹۵). از طرفی رضاشاه هم در رهگذر اهداف خود از حربه وحدت ملی بهره‌برداری زیادی کرد که یکی از این حربه‌ها سبک معماری باستان‌گرایانه بود؛ بنابراین اندیشه ملی‌گرایی و ملت‌گرایی و نیز خود واژه ملت به مفهوم جدید و متجددانه آن، هم جهت بودنش با گذشته را از دست داد و علی‌رغم پیوندهایی که با آن داشت و متکی بر آن خود را متبلور ساخته بود، شکل نوین ملی‌گرایی را خلق کرد که دیگر آن ناسیونالیسم تاریخی نبود. حال، پدیده ملی‌گرایی معاصر یا نوین تلاشی بود برای جایگزین کردن علایق ملی به جای وابستگی‌های قومی و دینی که به‌طور معمول متضاد با پدیده جهان‌گرایی شمرده می‌شد؛ بنابراین ملی‌گرایی متأثر از شرایط سیاسی-اجتماعی به وجود آمده در ایران، به تدریج تبدیل به ایدئولوژی غالب و محور اصلی کنش سیاسی شد و تبعات زیادی را در زمینه‌های مختلف، از جمله هنر و معماری به دنبال داشت. لذا شناخت مفاهیم جدید سیاسی و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر هنر و معماری از اهمیت بسزایی برخوردار است و این پژوهش کوششی برای نیل به این مقصود است.



ساختار کلی پژوهش

همان‌گونه که در ساختار کلی پژوهش در نمودار (۱) مشخص شده است، سعی بر

این است که در این مقاله با واکاوی مبانی ملی‌گرایی، این مسئله تحلیل شود که او لا‌آیا مبانی این نظام فکری بر معماری بناهای شهرهای ایرانی (اهواز) نیز مؤثر بوده است و ثانیاً اگر پاسخ این پرسش مثبت است، چه مصادیقی را می‌توان برای این مهم برشمرد؟

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱. ادبیات تجربی

با بررسی از مطالعات انجام‌شده، پیشینه پژوهش را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: الف): برخی از آثار به سیر تاریخی معماری معاصر ایران، پیدایش جریان‌های فکری مختلف، مسئله هویت و جریان‌های سنت‌گرا و توجه به معماری سنتی در دوران معاصر پرداخته‌اند، از جمله علی‌اصغر شیرازی (۱۳۹۰) «تأثیر ملی‌گرایی بر بناهای حکومتی دوره پهلوی اول» ملی‌گرایی دستورالعمل واحدی بود که برای کشورهای تحت سلطه انگلستان، به منظور اجرای نقشه‌های استعماری و دستور توسعه نسبی به اجرا درآمد. لزوم ساخت‌وساز و بناهای متعدد در حکومت پهلوی اول زمینه بسیار مناسبی برای را برای بیان ملی‌گرایی با رویکرد باستان‌گرایی در معماری به وجود آورد و اهدافی نظیر تجددگرایی و دین‌زدایی دنبال می‌کرد. مصطفی کیانی (۱۳۸۳) «تأثیرات باستان‌گرایی بر معماری دوره پهلوی اول» بیان می‌دارد که بناهایی در این دوره هستند که به‌طور قاطع از عناصر و نشانه‌های باستانی استفاده کردند. همچنین بناهایی که ملهم و برگرفته از بناهای باستانی به وجود آمد. سیروس باور (۱۳۸۹) «نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران» به تأثیر روح زمانه در پیدایش معماری نو در ایران و نقش عوامل مختلف در پیدایش جریان‌های فکری مختلف در معماری پرداخته، امیر بانی مسعود (۱۳۹۱) در کتاب «معماری معاصر ایران، در تکاپوی سنت و مدرنیته»، نحوه مواجهه ما ایرانیان با عالم جدید و تأثیر آن در معماری ایران و جریان‌های غالب معماری را از دوره قاجار تا بعد از انقلاب را مورد بررسی قرار داده، در کتاب «شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳» محسن حبیبی و همکاران (۱۳۸۵) به شرح سیر تاریخ معماری و شهرسازی از بدو ورود اندیشه‌های نو در ایران تا دوران معاصر و جریان‌های فکری معماری معاصر ایران و تفکیک چهار دوره مشخص در معماری پرداخته‌اند. وحید قبادیان (۱۳۸۵) در کتاب معماری «معماری در دارالخلافه ناصری، سنت و تجدید در معماری معاصر تهران» به رویارویی سنت و تجدید در عهد

ناصرالدین شاه می‌پردازد و دلایل بروز و ظهور تجدد در معماری تهران معاصر را مورد بررسی قرار می‌دهد. حمیدرضا انصاری (۱۳۹۵) در کتاب «معماری معاصر ایران مواجهه با غرب در معماری معاصر ایران» سخن به میان آورده و نقد بر معماری مدرن و مسئله هویت و نمود سنت در آثار معماران از دوره پهلوی دوم از مسائلی است که در این کتاب بدان پرداخته است. مصطفی کیانی (۱۳۸۳)، معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری، این کتاب در ده فصل و به‌طور مشخص دوره بیست‌ساله کاری و تحولات معماری و شهرسازی معاصر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰) شمسی را مورد کنکاش قرار داده است و موارد مطالعاتی آن به‌طور مشخص بر روی شهر تهران متمرکز شده و تنها در بخشی از بخش‌ها به شهرهای دیگر ایران اشاره شده است. ولی به‌طور مشخص و عمیق به معماری محدوده شمالغرب ایران پرداخته نشده است. وحید قبادیان (۱۳۹۳)، سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، این کتاب در سه بخش کلی تدوین شده است و هر بخش آن به یکی از دوره‌های تاریخی معماری ایران اختصاص یافته است که عبارت‌اند از عصر قاجاریه، دوره پهلوی اول و دوم و معماری دوره بعد از انقلاب اسلامی. نگارنده کتاب در هر بخش ابتدا به اوضاع و احوال سیاسی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته و سپس وارد مسائل شهرسازی و معماری شده است. تشریح و تبیین تشابهات و تفاوت‌ها در هر دوره مشخص شده است. در کل می‌توان گفت در این کتاب معماری ایران از دوره قاجار تا عصر حاضر از در سه عصر و دوره تقسیم‌بندی کرده است.

ب) در حوزه پژوهش‌های اثرشناسی: کتب «معماری معاصر ایران: ۷۵ سال تجربه بناهای عمومی» در دو جلد به همکاری مهندسین نقش جهان پارس (۱۳۸۸) و «نقد آثاری از معماری معاصر ایران» پژوهشی از مهندسین مشاور نقش (۱۳۸۷) به تحلیل کالبدی و مفهومی آثار بدیع معماری معاصر ایران پرداخته و با تدقیق در نگاه طراحان در استفاده از اصول یا عناصر معماری سنتی ایران در بناهای معاصر، نسبت این جریان فکری را با «سنت» و «مدرنیسم» را ارائه می‌کنند. لازم به ذکر است که کتاب نقد آثاری از معماری ایران بخشی از طرح پژوهشی با عنوان «راه‌های استفاده از تجربیات غنی گذشته در معماری معاصر ایران»، به کوشش کامبیز نوایی و کامبیز حاجی قاسمی با هدف پدید آوردن معماری‌ای ملهم از معماری گذشته ایران می‌باشد.

اکثر قریب به اتفاق منابع مربوط به دهه گذشته هستند که نشان از جدی بودن چالش این موضوع در میان پژوهشگران معماری و شهرسازی است. با توجه به بررسی‌های صورت پذیرفته، پژوهشی که به‌طور خاص به مسئله تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای شهر اهواز پردازد، به‌صورت محتوایی مطالعاتی انجام نشده و این تحقیق در راستای خلأ تحقیقاتی در این زمینه در نظر دارد تا ملی‌گرایی را در معماری این گونه ابنیه مورد تدقیق قرار دهد.

۲-۲. ادبیات نظری

کلیات تاریخی، سیاست‌ها و ویژگی‌های معماری

ریشه تغییرات فرهنگی دوره پهلوی را می‌توان در قبل از این دوره تاریخی جستجو کرد: نخستین گام در عرصه مدرنیزاسیون بی‌تردید از سوی امیرکبیر در عصر ناصری با گشایش دارالفنون شکل گرفت (بهنام، ۱۳۸۳: ۳۲). حضور متعدد دیپلمات‌ها و اتباع خارجی که با اهداف سیاسی و اقتصادی بود تأثیر زیادی در افکار نخبگان داشت. نخبگانی که در مقابل فرهنگی که پله‌های تمدن را به‌سرعت پیش می‌راند احساس عقب‌ماندگی می‌کردند. از روشنفکران دیگری که به دربار ناصرالدین‌شاه هم نزدیک بود و در این دوره با تشویق شاه به اخذ تمدن غرب نقشی پررنگ داشت می‌توان از میرزا حسن خان سپهسالار نیز نام برد. اوج فلسفه‌ی وی تغییر در جهت ترقی بود (بهنام، ۱۳۸۳: ۳۴). جنبش فرهنگی این دوره موجب نقطه عطفی در تاریخ ایران بنام انقلاب مشروطه شد. دو دهه آغاز قرن معاصر را باید سال‌های وقوع تحولات بنیادی در تاریخ اجتماعی سیاسی ایران به حساب آورد. تغییر نظام حکومتی از خاندان قاجار به خاندان پهلوی که در آغاز قرار بود با شکل‌گیری نظام جمهوری همراه شود و دلیل استقرار نظام سلطنتی جدید چنین نشد، از عمده‌ترین جلوه‌های این تحول است. پیشرفت‌های شتابان غرب در زمینه‌های فنی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان عامل اصلی تحرک، بر توسعه تحولات اجتماعی و سیاسی ایران مؤثر بود؛ بنابراین ایران در آغاز ورود به قرن معاصر، مملو از اندیشه‌های نوگرایی و آرمان‌های جاه‌طلبانه است. نقطه اشتراک همه صاحب‌نظران، نارضایتی از وضع موجود است، همه‌چیز برای تغییر ساختار اجتماعی آماده است. تجدد را همه پذیرفته‌اند، اما در کیفیت و چگونگی تحقق آن اختلاف نظر دارند. این دوران مقارن با دوران نهضت‌های فکری و هنری ضد سنتی غرب است بعد از دوره

قاجار با این شرایط، در اسفند سال ۱۲۹۹ خورشیدی رضاخان با کودتای نظامی به جایگاه قدرت سیاسی دست یافت. در دو دهه سلطنت رضاخان دولت ایران تعیین کننده سبک معماری بود و اغلب پروژه‌های معماری را دولت بنا می کرد؛ و از آنجا که رضاخان قصد داشت تا هر چه سریع تر شکل ظاهری شهرها و بناهای ایران را با نمادهای تجددگرایی هماهنگ سازد و این کار از استادان سنتی هنر معماری ایران برنمی آمد، برای نخستین بار از معماران بیگانه برای ساخت ادارات، وزارتخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، بانک‌ها و ... دعوت به عمل آمد (معرفت، ۱۳۷۵: ۱۳۰). در آغاز ظهور پهلوی و پایان قاجاریان، هنوز معمارانی بودند که شیوه قاجاری را ادامه می دادند و بیش تر آن‌ها تا اواخر دوران پهلوی اول زنده بودند. برخی از ایشان نیز در ساختن و تزئین کاخ‌های پهلوی شرکت داشتند. با گرایش شدید رضا پهلوی به غرب، بسیاری از معماران و مهندسان غربی یا ایرانیان تحصیل کرده در اروپا در دوره پهلوی اول به ایران آمدند و غربی سازی را آغاز کردند. از این رو شاهد شکل گیری و گسترش سبک‌های متنوع معماری غرب در ایران هستیم (میری نژاد، ۱۳۹۲: ۹۲). از طرفی با تأسیس شاخه معماری دانشکده هنرهای زیبا، آموزش معماری کهن یونان و روم شروع شد و در سال‌های بعد (پهلوی دوم) نیز ادامه یافت (شیرازی، ۱۳۹۰: ۳).

معماری در دوره پهلوی اول

در دوره پهلوی اول هنرمندان معماری ایرانی و غربی که سازنده بناهای دولتی و آموزشی و صنعتی بودند، برای اولین بار با نوعی انتخاب تاریخی روبرو شدند. آنان باید می فهمیدند که از چه دوره و چگونه و به چه مقدار انتخاب کنند. معماران اگرچه متأثر از فضای سیاسی باستان گرایی بودند، توانستند با تعدد بناهای ساخته شده فضای معماری باستان گرایی را تنوع بخشند. هم زمان شدن دهه دوم حکومت پهلوی اول با روی کار آمدن و اقتدار حزب نازی در آلمان و ارتباط نزدیک و بی سابقه ایران و آلمان و پیامد آن انجام فعالیت‌های عمرانی و ساختمانی توسط متخصصین آلمانی خود به خود رویه نظامی را در ساخت بناهای این دوره دوچندان نمود. این تأثیرات بر روی نمای ساختمان بود که به گونه ای ملموس و شکل نظامی به خود می گرفت. مکتب معماری مدرن به وسیله دانش آموختگان ایرانی از فرنگ برگشته که در سال‌های آخر دوره پهلوی اول به ایران بازگشتند به ارمغان آورده شد. از آن رو که نهضت مدرنیسم در معماری همچون

دیگر مکاتب نخست در دانشگاه‌ها مورد توجه و آموزش قرار گرفت. آثار مطرح و به‌جامانده از مکتب معماری مدرن را در نخستین سال‌های پیدایش آن در ایران به‌طور عمده باید در تهران و شهرهای بزرگ مانند تبریز و در ساختمان‌های عمومی و دولتی مشاهده کرد (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۴۱۹).

گذشته‌گرایی در معماری دوره پهلوی اهواز

ملی‌گرایی غالباً به‌منزله ایدئولوژی و به‌عنوان شکلی از رفتار نگریده می‌شود که از خودآگاهی ملی، هویت قومی یا زمانی در چارچوب فعالیت‌ها و بیان سیاسی استفاده می‌کند (وینست، ۱۳۷۱: ۳۳۳). در تعریفی دیگر (ملی‌گرایی جنبشی ایدئولوژیک برای دست یافتن و حفظ استقلال (حاکمی از نفوذ همیشگی ناسیونالیسم در ملت‌های دیرپا)، وحدت و هویت برای مردمانی است که برخی از اعضای آن به تشکیل یک ملت بالقوه و بالفعل باور دارند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰). این سیاست (گرایش به ملی‌گرایی و ناسیونالیسم) توسط استعمارگران غربی خصوصاً انگلیس در سراسر جهان و به‌ویژه در کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه به اجرا در آمد. به‌عنوان مثال در ترکیه این راهبرد توسط کمال آتاترک به کار گرفته شد البته سیاست استعماری کشورهای همچون روسیه، برخی از کشورهای منطقه را به سمت کمونیسم سوق داد. از این‌رو، می‌توان کشورهای خاورمیانه را به دو گروه با گرایش ناسیونالیسم و کمونیسم تقسیم کرد؛ بنابراین ناسیونالیسم متأثر از شرایط سیاسی-اجتماعی به وجود آمده در ایران به‌تدریج تبدیل به ایدئولوژی غالب و محور اصلی کنش سیاسی شد و تبعات زیادی را در زمینه‌های مختلف از جمله هنر و معماری به دنبال داشت. لذا شناخت مفاهیم جدید سیاسی و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر زبان هنر از اهمیت بسزایی برخوردار است (شیرازی، ۱۳۹۰: ۶۰). از دهه ۱۳۰۰ و با ورود مصالح جدید و نیز حضور پرننگ‌تر نهادهایی نظیر شرکت نفت یا راه‌آهن در تحولات شهر، روند معماری بناهای عمومی و مسکونی نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. این دوره را می‌توان دوره معماری مدرن آغازین در اهواز دانست که شاید آهن تأثیرگذارترین آن‌ها باشد. آهن در ابتدای این دوره معمولاً به صورت قطعات پیش‌ساخته یا پروفیل‌های استاندارد در سازه‌های بزرگ شهری به کار می‌رود که نمونه‌های آن را می‌توان در پل‌های سیاه‌وسفید و اولین کارخانه ریسندگی اهواز به‌روشنی مشاهده کرد. از طرفی خلوص و انتزاع حاکم بر فرم‌ها در آرایه‌بندی‌ها و

تزئینات نماها نیز دیده می‌شود. تزئینات عمده نماهای معماری و بناهای شهری در این زمان، منحصر به آجرچینی‌های محدودی است که با نقش مایه‌هایی کاملاً بومی در نقاط خاصی از بنا نظیر سردر یا ایوان‌ها شکل می‌گیرد و باید دانست استفاده از آجر یکی از ویژگی‌های عمومی شهرهای سنتی استان خوزستان نظیر بهبهان، دزفول و شوشتر بوده است. این استفاده در زمینه‌ی تزئینی عمدتاً به شیوه‌ای است که «خوون چینی» نامیده می‌شود و از خوون یک نام‌گذاری در هنر معماری ایرانی است و به نگاره‌های زینتی موزاییک‌مانندی که بر پیشانی بنا می‌ساخته‌اند گفته می‌شده است. پلان اغلب خانه‌ها از الگوی حیاط مرکزی تبعیت می‌کنند، گاهی در این الگو یک یا دو جبهه (اغلب جبهه - های غربی یا شرقی) فاقد ساخت است که این امر می‌تواند از محدودیت ابعاد زمین ناشی شده باشد. درون حیاط تقسیم‌بندی خاصی نظیر صفه یا سکوها‌ی معماری شوشتر و دزفول وجود ندارد و یک باغچه یا حوض کوچک تنها عنصري است که ممکن است در حیاط‌های محدود این خانه‌ها دیده شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۱۷۲). در بناهای این دوره چند سبک متمایز را می‌توان به گونه هم‌زمان مشاهده کرد. برخی بناها نظیر دانشسرای مقدماتی یا تعداد زیادی از منازل خصوصی در بافت قدیمی‌تر شهر، همچنان با غلبه سبک سنتی ساخته می‌شود. گروهی از بناها نظیر کارخانه ریسندگی، بیمارستان جندی‌شاپور (امام خمینی ره فعلی) خانه‌های بانک ملی و ساختمان اداری آن (دانشکده ادبیات فعلی)، ایستگاه راه‌آهن اهواز و غیره، ضمن وفاداری به الهامات و در پاره‌ای موارد با الگوهای معماری سنتی (نظیر ساختمان سه‌گوش) و درمجموع، با غلبه ویژگی‌های مدرنیستی شکل می‌گیرند، به گونه‌ای که با کمی اغماض می‌توان این بناها را مظاهری از معماری سبک ملی در این مقطع از تاریخ معماری اهواز دانست. در گروه سوم با بناهایی مواجهیم که الگو و فرم‌های مدرنیستی در آن‌ها غلبه کامل دارد و تنها ممکن است در بعضی از آن‌ها اشاراتی مختصر به معماری سنتی ایران نمایان باشد. اغلب ساختمان‌های شرکت نفت، برخی ساختمان‌های دولتی (نظیر دارایی، کاخ رضاشاهی و غیره) پاره‌ای بناهای عمومی (نظیر ساختمان فرمانداری عمومی که گویا در گذشته هتل بوده است) و نیز پل‌های پیروزی (سیاه) و معلق (سفید) در این زمره‌اند. در سال‌های بعدتر، الگوهای معماری مدرن غلبه فزون‌تری می‌یابد، به گونه‌ای که عملاً از سال‌های میانی دهه ۱۳۲۰ تنها این سبک غالب در معماری بناهای شهری اهواز عرض‌اندام می‌کند. این دوره را

می‌توان دوره معماری مدرن میانی خواند. بناهایی مانند بانک ملی (شعبه مرکزی کنونی، خیابان ۲۴ متری)، ساختمان سیلو، منازل مسکونی سیلو و گمرک، ورزشگاه، خانه‌های سازمان آب و برق، خانه‌های شرکت نفت در نیوسایت و بسیاری از ویلاها و ساختمان‌های مدرن در محلات امانیه، باغ معین و نظایر آن، محصول این دوره‌اند. معماری شهر اهواز در دوره پهلوی اول را می‌توان تحت تأثیر دو جریان عمده، یکی از داخل و دیگری از بیرون دانست. جریان داخلی تحت تأثیر مهاجرت بازرگانان شهرهای مجاور که به دلیل رکود اقتصادی و ناامنی شهرهایشان به این منطقه کشیده شده بودند، شکل می‌گرفت و جریان بیرونی را حضور مهاجرین خارجی و ورود تکنولوژی و فرهنگ جدیدی که آنان با خود آورده بودند، تشکیل می‌داد. به دلیل نبود ساختمان‌های مناسب، ورود سرمایه‌های اقتصادی و به وجود آمدن کاربری‌های جدید و تغییرات فرهنگی ایجادشده در شهر، مردم به ساختن بناهای نو شروع کردند. حضور مردم شوشتر و دزفول با نظر به معماری سنتی و توانمندی‌هایشان تأثیر مستقیمی بر معماری شهر اهواز داشت. تأثیرات این معماری‌ها را در خانه‌های مسکونی این دوره بیشتر هم می‌توان دید. استفاده از آجرکاری را به‌وفور می‌توان در خانه‌های این دوره مشاهده کرد. دوره پهلوی در اهواز دوره تکاپو برای رسیدن به یک جامعه مدرن بود (هلالی، ۱۳۹۵). از یکسو نیازهای جدید معماری چون بیمارستان، دانشگاه، کارخانه، گمرک و غیره در شهر ایجاد شده بود و از سویی، با حضور معماران فرنگی و میل دولت حاکم به غربی شدن، شیوه‌های جدیدی از معماری را در شهر مشاهده می‌کنیم. میل به یادگیری تکنولوژی و علوم فرنگی از سوی دولت، نظام آموزشی را مورد توجه قرار داد. دوره مدرن اولیه در اهواز را باید بین سال‌های ۱۳۰۷ هم‌زمان با آغاز احداث راه‌آهن سراسری در جنوب تا سال‌های میانی ۱۳۲۰ که اهواز نوین در اثر اقدامات دوره پهلوی اول ابعاد تازه‌ای یافته، دانست. مهم‌ترین بناهای این دوره عبارت است از پاره‌ای از بناهای اداری، آموزشی و عمومی (نظیر هتل و بیمارستان) در کنار ساخت‌وسازهای نهادهای قدرتمندی چون شرکت نفت، راه‌آهن، بانک ملی و نظایر آن که چهره امروزی اهواز را شکل داده است. در سال‌های پس از دهه ۱۳۴۰ معماری اهواز نیز به‌عنوان تابعی از معماری کل کشور روندی نزولی را می‌پیماید. تنها بنای مهم در این دوران، مجموعه بناهای دانشگاه جندی‌شاپور اهواز (شهید چمران فعلی) اثر کامران دیباست. معماری این دوره با تفکر ملی‌گرایی و بهره‌برداری از

آثار به‌جامانده از دوره هخامنشیان و ساسانیان، به باستان‌گرایی توجه بیشتری نمود. در معماری بناهای دولتی این دوره، عناصری که مورد بهره‌برداری و یا تقلید از دو دوره مذکور قرار گرفتند، به دو صورت ظهور یافتند:

۱. عناصر مشخص معماری در بناها نظیر ستون‌ها، پایه ستون‌ها، پنجره‌ها، پلکان، ورودی‌ها، قوس‌ها و دهانه‌ها.

۲. عناصر تزئینی نظیر نقوش برجسته، حجاری‌ها، مجسمه‌ها و کنگره‌ها.

در اقتباس از این آثار، هیچ‌گاه پلان و یا عملکرد خاص آن معماری مورد استفاده قرار نگرفت. به عبارتی آنچه در ظاهر بیشترین تأثیر را می‌توانست القا کند، در سطح وسیعی مورد استفاده قرار گرفت.

۳. روش پژوهش

در این مقاله، برای تحلیل مسئله تأثیرگذاری یا عدم تأثیرگذاری ملی‌گرایی بر معماری بناهای شهر اهواز، از روشی ترکیبی بهره‌گیری شده است. در این راستا ابتدا (در فرایند گردآوری داده‌ها) ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، تأثیرات ملی‌گرایی بر شهر ایرانی و معماری بناها تحلیل شده است. براین‌اساس، نظام حاکم بر این پژوهش، نظامی استقرایی است؛ به این معنا که برای اثبات تأثیر هر یک از مبانی ملی‌گرایی بر تحولات کالبدی شهر ایرانی و معماری بناها، مصادیق مختلفی با رویکردی استقرایی ذکر شده است تا از تکرار یافته‌های حاصل از تحلیل این مصادیق، فرضیه پژوهش مبنی بر (تأثیرپذیری کالبد شهر و معماری اهواز در دوره پهلوی، از ملی‌گرایی) اثبات شود. انتخاب نمونه‌های مورد استناد در این پژوهش (اعم از فضاهای شهری و بناها و مصادیق مورد مطالعه) مبتنی بر انتخاب‌های هدفمند است که از قواعد پژوهش‌های آماری و کمی پیروی نمی‌کند. از این‌رو، دوازده نمونه از آن‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد و چگونگی تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی این دوره آزمون شد.

۴. تحلیل تجربی

۴-۱. تحلیل توصیفی یافته‌های پژوهش (معرفی بناها و ویژگی‌های معماری دوره پهلوی اهواز)

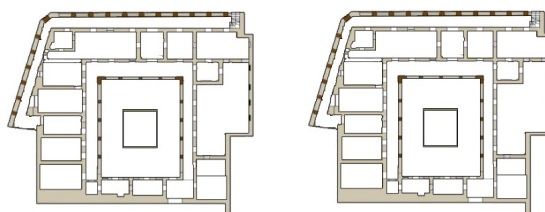
مجموعه معین‌التجار: معین‌التجار بوشهری، بازرگانی بود که با امتیازات و

حمایت‌هایی در آغاز تأسیس بندر ناصری به اهواز می‌آید و با ایجاد مجموعه‌ای شامل سرا، بازار و مسیر تراموا، به رونق شهر کمک شایانی می‌کند.



شکل ۱- بنای کاخ آشور واقع در کشور عراق دوره سبک پارتی (اشکانی)، منبع الهام نیم قوس‌ها و جدار خارجی مجموعه معین التجار
(منبع: www.khuisf.ac.ir)

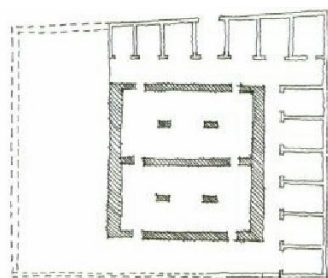
ساختمان معین‌التجار، ساختمانی دوطبقه است که از الگوی معماری باستانی الهام گرفته است. در نماسازی این بنا از تزئین‌ها و عناصر معماری ایران باستان نظیر قوس‌های نیم بیضی، قوس‌های دوره قاجاریه، آجرچینی به سبک دوره قاجار، گوشه‌سازی و غیره، استفاده شده است. در برخی از قسمت‌ها عناصر معماری اسلامی، نظیر ایوان سرتاسری دورتادور حیاط، سهدری‌ها در ضلع شمالی، پنجدری و شاه‌نشین در ضلع شرقی دیده می‌شود. در قوس و پوشش‌ها از معماری غرب الهام گرفته شده است و در دست‌اندازها، سرستون آجری و رگچینی از معماری تاریخی دزفول الهام گرفته شده است.



شکل ۲- مجموعه معین‌التجار (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

(نیم قوس با الگوی نیم قوس های باستانی استفاده از تزئینات آجری بهره گیری از سرستون های معماری باستانی)

ساختمان دفتر مرکزی شرکت کانتکس: ساختمان شرکت کانتکس در نزدیکی بازار معین التجار و در شمال خیابان منتهی به پل معلق قرار گرفته است. در وضع موجود شناخت تاریخیچه و قدمت اصلی بنا امکان پذیر نیست. هرچند مراجعه به عکس های هوایی و پاره های شواهد متأخر بودن بخشی از بنا را به وضوح نشان می دهد، بنا دارای یک هسته مرکزی است که شامل سالن بزرگ و مرتفع با ستون های سنگی به ابعاد تقریبی یک در دو متر و سقفی چوبی از جنس چندل است که تردیدی در تعلق این بخش از ساختمان به دوره اولیه تأسیس شهر باقی نمی گذارد. نزدیکی بنا به مجموعه معین التجار و هم محوری با راسته بازار معین، همچنین گسترش احتمالی بازار تا این محدوده، به همراه شیوه معماری و سازه های به کاررفته در بنای فوق همگی از شواهدی است که ظن تعلق بنا به مجموعه بازار معین را برجسته می سازد.



شکل ۳- پلان ساختمان مرکزی شرکت کانتکس (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

عمارت لنچ: عمارت لنچ یا به تعبیر محلی (باغ لنچ) که زمانی کنسولگری انگلیس خوانده می شد، در اصل متعلق به کمپانی کشتیرانی لنچ است که در سال ۱۳۰۶ و هم زمان با اعلان فرمان آزادی کشتیرانی در کارون پایین، امتیاز آن را از شاه قاجار اخذ کرده بود. عمارت های باغ لنچ که در حال حاضر به مهمانسرای دانشگاه چمران اختصاص دارد، تنها بناهای متفاوت در اهواز دوره قاجار است. این بناها که به صورت سه فضای مجزا در یک باغ وسیع طراحی شده، بسیار متأخرتر از دوره قاجار به نظر می رسد. نمای خارجی بناها فاقد هرگونه تزئینی است. تأکید اصلی در نمای خارجی بر ورودی هاست و

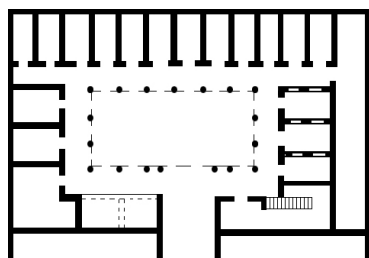
تنها نمای متفاوت، نمای روبه روی خانه عمارت اصلی است که با پله های ورودی و تراس هایی به رودخانه متمایز شده است. مصالح اصلی بنا آجر می باشد، اما نوع استفاده از آجر به کلی متفاوت از شیوه رایج در دوره قاجار و بسیار نزدیک به شیوه مرسوم در چند دهه بعد، یعنی دوره پهلوی است.

ساباط خرددوش: ساباط خرددوش یکی از معدود ساباط های موجود در بافت شهری اهواز است که در خیابان کتانباف، حدفاصل سیروس و نادری قرار دارد. این ساباط دارای طاق گهواره ای و آجرکاری های محدودی است که جلوه ای زیبا به آن داده است. ساباط دو طبقه بوده، طبقه دوم آن یک اتاق متصل به خانه مجاور ساباط می باشد.



شکل ۴- ساباط خرددوش اهواز (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

سرای عجم: سرای عجم از لحاظ معماری، بنایی منحصر به فرد است که از یک طبقه تشکیل شده و دارای ستون های حجاری شده، حجره هایی متعدد، کف هایی سنگ فرش شده، دیوارهایی آجری و در و پنجره هایی از جنس چوب است. حیاط اصلی این بنا مانند سایر بناهای ایرانی با قرینه سازی و ایوان های دور تا دور ساخته شده است. دالان ورودی مطابق طرح اولیه بوده و پنجره های طرفین دالان ورودی درست مثل طرح اولیه تکرار شده اند. از طرفی با توجه به ارتفاع دروازه، نیاز به این همه پنجره نبوده و هم اکنون نیز آن ها را با آجر مسدود کرده اند. از دیگر ویژگی های این بنا قطر زیاد دیوارهاست که با توجه به ویژگی جغرافیایی بوده تا بتوانند از برودت هوا جلوگیری کنند.



شکل ۵- بهره‌گیری از نیم قوس‌های باستانی در حیاط سرای عجم
(منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

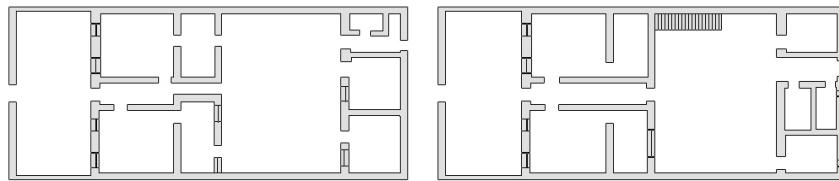
راه آهن: اغلب بناهای راه آهن در اهواز متعلق به قبل از سال ۱۳۱۲ می‌باشد. سایر ساختمان‌ها، اغلب آمیزه‌ای از معماری مدرن و الهاماتی از معماری تاریخی منطقه است. قدیمی‌ترین بنای راه آهن در اهواز، ایستگاه راه آهن کارون در شرق رودخانه است که ساختمان آن سالی ساده و مستطیل شکل است که با نمایی از رواق‌های قوسی به سبک ایوان‌های سنتی منطقه، حال و هوایی بومی را القا می‌کند. خط آسمان تیزه‌دار بنا در قسمت ورودی، اشاره‌ای مبهم به سنتوری و احتمالاً نفوذ معماری التقاطی اواخر قاجار است. در بنای ایستگاه و پاره‌ای ساختمان‌های خدماتی آن نظیر ویل شاپ (ساختمان تعمیر چرخ‌های قطار) و تعمیرات واگن غلبه با عملکردگرایی و سازه‌های مدرنیستی (از جمله استفاده از خرپا در سازه سقف دو ساختمان اخیرالذکر) است. درعین حال نمای بیرونی با پوشش آجری ساده و جزئیات تزئینی اندک در نقاط خاصی از بنا از جمله طرفین ورودی و بالای پنجره‌ها حس و حالی سنتی و آشنا را بر مجموعه حاکم می‌سازد.



شکل ۶- بهره‌گیری از نیم قوس‌ها در ساختمان راه آهن (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

مجموعه منازل کارگری و کارمندی راه آهن (چهل و هشت فامیلی):

دومین ساخت و سازهای مربوط به مجموعه راه آهن اهواز، ایستگاه اصلی در غرب رودخانه و مجموعه‌ای از منازل کارگری و کارمندی در پشت آن است که چهل و هشت فامیلی نامیده می‌شود. این مجموعه که در بلوک‌های مجزا برای استفاده کارکنان راه آهن جنوب در اهواز ساخته شده، شامل چند تیپ متفاوت است که برخی بزرگ‌تر و پرکارتر از نظر تزئینات و نما و برخی ساده‌ترند. تمام تیپ‌ها دارای حیاطی در درون و محوطه‌های بازی در بیرون‌اند که نمایشی از درون‌گرایی و برون‌گرایی توأمان است. حیاط درونی برخلاف نمونه‌های سنتی، چندان نقشی در ساماندهی فضای ساخته شده ایفا نمی‌کند و بیشتر به مثابه حائلی میان دو بخش بیرونی و درونی ایفای نقش می‌کند. این بنا همانند نظیر اغلب بناهای این دوره، از الگوی سازمان‌دهی فضا و شیوه تقسیمات اتاق‌ها مبتنی بر عملکردگرایی مدرنیستی است، اما پوشش نما و آرایه‌های آن معماری بومی منطقه را به نمایش گذارده است.



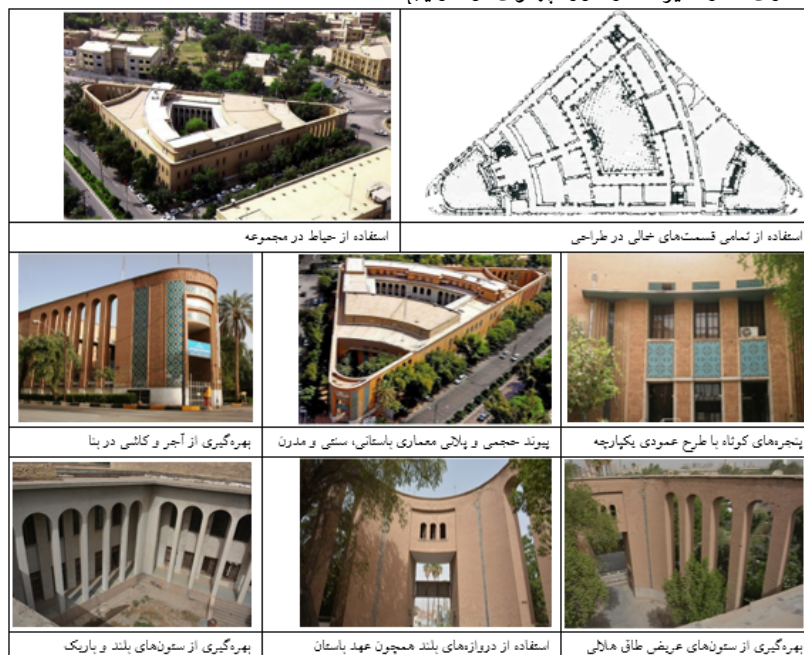
شکل ۷- پلان خانه مسکونی ۴۸ فامیلی
(منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

یک بنای کاملاً متمایز در میان ساختمان‌های راه آهن که در حاشیه رودخانه قرار دارد، باشگاه راه آهن است. این بنا علاوه بر فاصله و تمایز مکانی نسبت با سایر بناهای راه آهن، از نظر سبکی نیز با رواق (ایوان ستون‌دار) کشیده جلوی بنا و ورودی و پنجره-های قوسی شکل، جلوه‌ای بسیار تاریخی‌تر از سایر بناهای راه آهن را به نمایش می‌گذارد.

۴.۸. ساختمان سه گوش (دانشکده ادبیات): ساختمان سه گوش (دانشکده ادبیات) توسط معماران آلمانی در سال ۱۳۲۵ با کاربری بانک ساخته شد و پس از آن به دلیل نیازهای آموزشی، به دانشگاه تبدیل شد. این بنا را می‌توان تلفیقی از معماری باستانی و سنتی ایران و معماری رومی دانست. نمای کلی بنا آجری با طاق‌های بلند رومی است

تأثیر ملی گرایی بر معماری بناهای شهر اهواز در دوره پهلوی

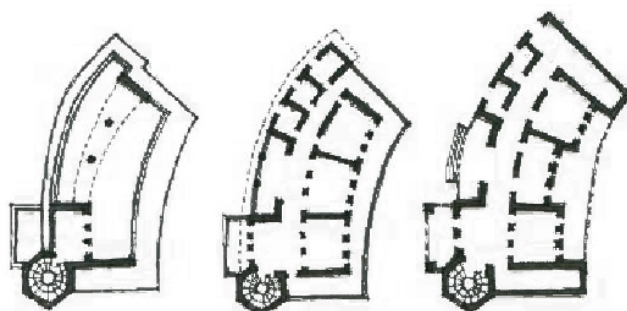
که به زیبایی با ورودی‌ها منطبق شده است. تزئینات بنا شامل: دیوارهای بلند، پنجره‌های چوبی، عظمت و اقتدار ستون‌ها، پله‌های زیبا و قوسی شکل در دو سمت ساختمان است که تزئینات آجری تلفیق شده با کاشی فیروزه‌ای نشان‌دهنده استفاده از معماری سنتی بومی است. البته تالار زیبا در میان ساختمان با پنجره‌های بزرگ و نقش‌های زیبا بر روی سقف اتاق‌ها و تالارها می‌تواند تداعی‌کننده تالارهای دوره باروک اروپا باشد. استفاده از سه حیاط درون‌گرا در مجموعه در کنار نماها و طاق‌های رومی به‌خوبی تلفیق معماری ایران باستان و غرب را به نمایش می‌گذارد. هرچند به نظر می‌رسد بازشوها و نظام تناسبات در فضاهای حول حیاط مرکزی با نگاه به تقسیمات معماری سنتی ایرانی طراحی شده، اما در سایر فضاها (نظیر اتاق‌های رو به خیابان) کاملاً تناسبات و نظام تقسیمات معماری مدرن ایران در دوره پهلوی اول رایج است.



شکل ۸- دانشکده ادبیات (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

واحدهای مسکونی بانک ملی: یکی از نمونه‌های جالب و منحصر به فردی که در مجموعه بانک ملی اهواز وجود دارد، خانه‌های این مجموعه است. این خانه‌ها ترکیبی

از واحدهای مسکونی مرتفع و یک طبقه می‌باشد. کل مجموعه مسکونی حول یک فضای باز مرکزی ساماندهی شده که تمامی بناهای اطراف، توسط حیاط‌های اختصاصی، به این فضای باز عمومی راه دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی واحدهای مسکونی سه طبقه‌ای هستند که طبقه اول به فضاهای عمومی و طبقه دوم به فضاهای خصوصی اختصاص دارند. در طبقه سوم نیز عمده فضا به تراس اختصاص یافته است. ارتباط طبقات این بنا نیز از طریق یک دستگاه پله که در برجی هشت ضلعی محصور است، تأمین می‌شود.



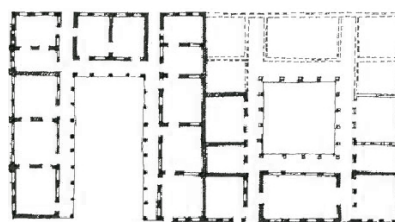
شکل ۹- پلان‌های واحدهای مسکونی بانک ملی (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

کاخ رضاشاهی (استانداری): بنای کاخ رضاشاهی با پلانی به سبک مدرن توسط آلمانی‌ها ساخته شده است که معماری دعوت‌کننده و برون‌گرایی دارد. این بنا در دو طبقه و یک زیرزمین که در تابستان به دلیل گرما استفاده می‌شد، ساخته شده است که هواکش‌هایی کار تهویه زیرزمین را بر عهده داشته‌اند. ساختمان به صورت کوشکی در انتهای محوری از درختان نخل و با چشم‌اندازی به رود کارون مکان‌یابی شده است. طرح آن کاملاً مدرنیستی و فاقد آرایه‌های سنتی است و تنها رواق‌های رو به رودخانه این بنا هستند که طرح آن‌ها نیم‌نگاهی به رواق‌های سنتی جنوب دارد. مصالح این رواق‌ها نیز ترکیبی از سنگ و آجر است که با طرح خود مضامینی از معماری بومی منطقه را زمزمه می‌کند.



شکل ۱۰- پلان و نمای ساختمان استانداری (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

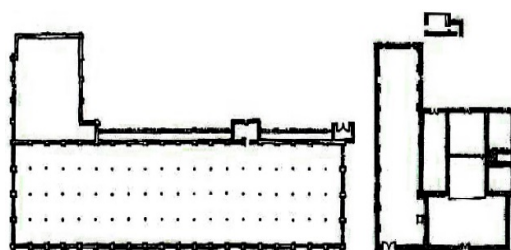
دانشسرای مقدماتی: از اولین بناهای آموزشی در اهواز می‌توان به دانشسرای مقدماتی پسران شهر اهواز در سال ۱۳۱۵ که به دبیرستان فرهنگ هم شناخته می‌شد، اشاره کرد. این بنا با مصالح آجر و سیمان با طاق‌های ضربی کار شده است و دورتادور حیاط‌های بنا ایوان‌هایی با نمای طاق هلالی خودنمایی می‌کنند. در این طاق‌ها کتیبه‌هایی از جنس کاشی به خط نستعلیق با مضمون شهر به کار رفته است. نمای بنا نیز با گره‌چینی آجری به صورت یک نوار حاشیه‌ای، دورتادور پیشانی بنا تزئین شده است. این بنا با سبک معماری باستانی خود، از دو حیاط با الگوی حیاط مرکزی که یکی از آن‌ها رو به منظر رودخانه باز است، برخوردار است که در کنار درون‌گرایی بنا جلوه‌ای از برون‌گرایی نیز به بنا بخشیده است. از طرفی می‌تواند تداوم سنت اولیه نگاه بناها به رودخانه باشد که از زمان نظام السلطنه پایه‌گذاری شده است.



شکل ۱۱- پلان و نمای دانشسرای مقدماتی (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)

کارخانه ریسندگی: ظهور معماری صنعتی در این منطقه با ساخت کارخانه‌هایی همچون کارخانه ریسندگی بافتنی حاصل شد. این بنا در سال ۱۳۱۵ و با سرمایه چند تاجر محلی ساخته شد. این بنا دارای سالنی بزرگ و کشیده همچون تالارهای ستون‌دار عهد باستان است. همچنین معمار در این بنا از مقاطع شکسته به‌منظور دریافت نور و برج‌های

تهویه و حتی هندسه تقسیمات نما در راستای خودنمایی و تجلی باستان گرایی استفاده کرده است.

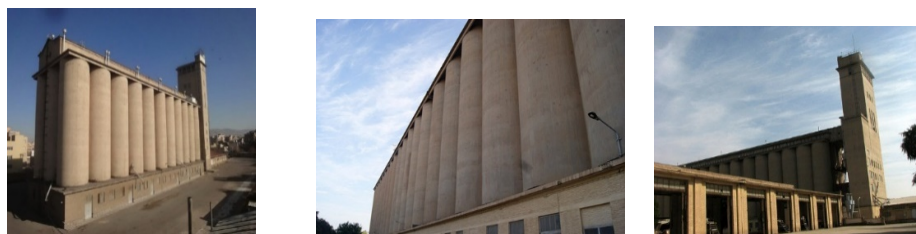


شکل ۱۲- پلان ساختمان کارخانه ریسندگی (منبع: ویرایش توسط نگارنده، ۱۴۰۱)



شکل ۱۳- استفاده از آجر به عنوان مصالح اصلی کارخانه بهره‌گیری از تزئینات آجری در جداره‌های کارخانه (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

ساختمان سیلو: ساختمان سیلو یکی از بناهای دوره پهلوی در اهواز است که علاوه بر مجموعه سیلو، دارای یک اسکله و برج بارگیری نیز می‌باشد. قرار گرفتن در ارتفاع همچون معماری عهد باستان، از جمله دلایل تأثیرگذاری این بناست.



شکل ۱۱- نمای ساختمان سیلو (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

بررسی معماری دوره پهلوی اول و دوم، این واقعیت را نشان می‌دهد که معماری معاصر ایران در این دوره تحت تأثیر مستقیم معماری مدرن قرار گرفته است. با توجه به سرعت بالای روند مدرنیزاسیون در ایران، انطباق و هماهنگی لازم بین معماری سنتی و معماری مدرن در این دوره تاریخی انجام نپذیرفت. در روند این تحولات اساسی در معماری ایران، مهم‌ترین تأثیر در بناهای دولتی و عمومی صورت پذیرفته است و علت آن اهمیت بالای این بناها در سطح کلان‌شهری بوده است. تأسیس نهادها و فضاهای جدید موجب استفاده از الگوهای غربی در ساخت این بناها گردید و در نتیجه، فضاهای پدیدآمده از لحاظ ترکیب حجمی و برخی مفاهیم شکلی و هنری متفاوت با معماری سنتی ایران بوده، بازتاب‌کننده معماری غرب می‌باشند. این تأثیرپذیری در مناطق مختلف ایران تقریباً به صورت یکسان صورت گرفته است.

جدول ۱- سیر تحول جریان‌های نظری و فکری بناهای دولتی و عمومی دوره پهلوی

نام دوره معماری	رویکردهای نظری و اجتماعی تأثیرگذار بر معماری دوره مربوطه	تأثیرات و ویژگی‌های مهم رویکردهای نظری و اجتماعی مربوطه بر معماری بناهای دولتی و عمومی در دوره موردنظر
پهلوی	رویکرد معماری باستان‌گرایی ایرانی (سبک ملی)	این شیوه معماری با پیشرفت علم باستان‌شناسی رونق گرفت. معماران این سبک سعی در برقراری ارتباط با معماری ایران باستان به‌ویژه معماری دوره‌های هخامنشی و ساسانی داشتند و بناهای این سبک اغلب با تقلید بدون قید و شرط از بناهای دوران باستان به‌ویژه تخت جمشید چه در تزئینات بنا چه در فضاهای داخلی، شکل گرفت. از ویژگی‌های معماری این بناها می‌توان به پلان و نمای متقارن، ایوان‌های وسیع و ستون‌های مرتفع، تزئینات دوره هخامنشی و ساسانی، استفاده از کنگره‌های سرتاسری بر لبه بام، تلفیق عناصر معماری نئوکلاسیک با معماری ایرانی اشاره کرد.

در این دوره (پهلوی) گرایش خاصی در معماری ایرانی پدید آمد که آن را غالباً سبک ملی یا نوعی باستان‌گرایی دانسته‌اند. این گرایش به سبک شکل گرفتن نوعی ناسیونالیسم در ایران که از احساسات ملی‌گرایانه پدید آمده، در منطقه نیز تأثیر پذیرفته، شکل گرفت و بازتاب آن در معماری به صورت سبکی بروز کرد که در آن از عناصر

معماری باستانی ایران استفاده می‌شد. بنیاد فکری آن‌ها بازگشت به عظمت امپراتوری هخامنشی و ساسانی بود. این گروه فرهنگ اسلامی و فرهنگ اروپایی را غیر ایرانی می‌دانستند و به‌عنوان جایگزین آن‌ها، بازگشت به فرهنگ آریایی دو هزار و پانصدساله با دین و مذهب بود که این امر ناشی از جریان روشنفکرانه مادی‌گرایی و توسعه و ترویج نظریات سوسیالیسم و مارکسیسم در بین طبقه تحصیل‌کردگان اروپا بود. این دو جریان فکری اثبات خود را در تخریب آثار گذشته می‌دید و سعی داشت هر چه را بوی گذشته می‌داد، از بین ببرد (کیانی، ۱۳۸۲: ۶۵).

باستان‌گرایی به‌عنوان اصلی‌ترین محور فکری - هم‌زمان و هم‌گام - دو محور دیگر با خود همراه داشت: دین‌زدایی و غرب‌گرایی. آرمان‌گرایی دوره پهلوی اول و حرکت در این سه محور به‌گونه‌ای بود که هرچه از سال‌های اولیه دوره بیست‌ساله گذشت، سیاست تضعیف دین شدیدتر و گرایش به غرب بارزتر می‌شد و درواقع، به نفع تقویت غرب‌گرایی پیش رفت. در نتیجه، هنگامی که سال ۱۳۲۰ فرا رسید، نهضت باستان‌گرایی که بیشتر از آن که عقلانی باشد، جنبه احساسی داشت، به خاموشی گرایید و جریان عمل به تفوق محور غرب‌گرایی انجامید. این دوره کوتاه ولی چشمگیر باستان‌گرایی در ابراز اندیشه‌ها و اهداف ناسیونالیستی خود سه دستاویز داشت: اول، دین بزرگ اسلام و حذف تدریجی آن از صحنه سیاست و کنار گذاشتن نشانه‌های فکری و عملی دین که در تعبیر آن دوره، عقب‌ماندگی و مانع توسعه محسوب شد؛ دوم، آیین زرتشت که تقویت آن نه به منظور جایگزین کردن و اشاعه دین باستانی، بلکه وجه‌المصالحه قرار دادن برای اقتدار بازیافته دوران پیش از اسلام بود؛ سوم، شاهنامه فردوسی و دستاویز قرار دادن آن در مقام زبان و ادبیات جدید پهلوی و بهره‌برداری از آن در جهت احیاء دوباره تمدن باستانی (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۶).

جدول ۲- تأثیرات ملی‌گرایی بر برخی بناهای مورد بررسی دوره پهلوی شهر اهواز

نام بنا	تأثیرات ملی‌گرایی
۱ مجموعه معین التجار	استفاده از نیم قوس‌های، ستون و سرستون‌های دوران باستان به همراه تزئینات آجری
۲ سباط خرددوش	بهره‌گیری از الگوی سباط‌های باستانی شهر دزفول و نیم قوس‌های باستانی

۳	سرای عجم	بهره‌گیری از نیم قوس‌ها و کریدور دور حیاط با الگوی باستانی
۴	ساختمان‌های راه‌آهن	بهره‌گیری از نیم قوس‌ها باستانی و استفاده از مصالح جدید
۵	ساختمان سه‌گوش (دانشکده ادبیات)	تلفیق معماری باستانی ایران و غرب (بهره‌گیری از قوس‌ها، دیوارهای بلند، ستون‌ها و...)
۶	کاخ رضاشاهی (استانداری)	تلفیق معماری مدرن و باستانی و استفاده از نیم قوس‌های باستانی
۷	کارخانه ریسندگی	بهره‌گیری از رنگ‌ها، مصالح قدیمی و جدید و تزئینات اجری

۵. نتیجه‌گیری

در احیاء و بهره‌گیری آثار معماری باستانی تنها به عناصر ظاهری و نمایشی معماری توجه شد؛ ستون‌ها، سرستون‌ها، پله‌ها و نقوش تزئینی و نظایر آن از دوره هخامنشی و ساسانی به وام گرفته شد، بدون آن که از عملکرد، نقشه و پلان و فضای معماری آن دوره بتوان استفاده کرد. درواقع، معماری غرب و عملکردهای تازه این خلاق را پر کرد. معماران و هنرمندان در به‌کارگیری عناصر معماری باستان از یک‌طرف و بهره‌گیری از دیگر عناصر معماری غرب و یا سنتی از طرف دیگر، به‌نوعی انتخاب اجباری دچار شدند و دست کم تا زمانی که تب باستان‌شناسی و باستان‌گرایی فروکش نکرد، ناچار بودند از این نشان‌های تاریخی - معماری استفاده کنند. بعدها بناهایی ساخته شدند که هرچند نشانه‌های باستانی در آن ملموس بود ولی تقلید صرف نبود.

به‌طوری که گفتیم، از سه محور باستان‌گرایی، دین‌زدایی و غرب‌گرایی، آن محوری که توانست برتری خود را در سال‌های ۱۳۲۰ و بعد از آن نشان دهد، گرایش به غرب بود. در معماری این دوره نیز آنچه درنهایت به لحاظ سبک تفوق پیدا کرد، آثاری بود که با نگاه معماری مدرن و مدرنیسم پدید آمد. بسیاری از تحولات و تغییرات در حوزه معماری بناهای دوره پهلوی اهواز در فرآیند شکل‌گیری غرب‌گرایی و تجدیدطلبی صورت گرفت. لذا اندک پژوهش‌های انجام‌شده در مقایسه تطبیقی بناهای حکومتی و دولتی مربوط به دوره تاریخی معاصر پهلوی در اهواز پرداخته و بر مشابَهت‌های عمده بناهای مذکور در حوزه معماری اشاره می‌کند. لزوم ساخت‌وساز بناهای تازه و متعدد در حکومت پهلوی، زمینه بسیار مناسبی را برای بیان ملی‌گرایی با رویکردی باستان‌گرایی در معماری به وجود آورد که این دیدگاه‌ها و تحولات در شهر اهواز را می‌توان این‌گونه بیان کرد: ۱- طراحی فضاهای مدرن؛ ۲- استفاده از مصالح جدید؛ ۳- استفاده از معماری

سنتی شوستر و دزفول؛ ۴- معماری‌ای همسو با شکل تجددخواهانه حاکم با اندیشه ایران پهلوی؛ ۵- ورود معماران خارجی در طراحی‌ها و آموزش معماری؛ ۶- معماری درون‌گرای مسکونی و گذار آن به معماری برون‌گرای مدرن. این تغییرات بافت گذشته شهر اهواز را تا حدودی برهم زد که تا به امروز هم ساختار اصلی شهر را تشکیل می‌دهند؛ ساختاری که در شیوه زندگی افراد هم می‌توان به وضوح آن را دید.

منابع

- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- انصاری، حمیدرضا (۱۳۹۱). تحلیلی بر معماری معاصر ایران، تهران: انتشارات سبزان.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۷). ما و مدرنیت، نشر موسسه فرهنگی صراط: تهران.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیت)، تهران: نشر هنری معماری قرن.
- _____ (۱۳۹۱). معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیت، چاپ پنجم، ویراست دوم، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- _____ (۱۳۹۱). معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم، چاپ پنجم، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- باور، سیروس (۱۳۸۹). نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران، تهران: نشر فضا.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۳). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر فروزان روز.
- پاکدامن، بهروز (۱۳۷۶). نگاهی کوتاه بر شیوه‌ها و گرایش‌های معماری تهران، کتاب تهران، جلد پنجم و ششم، تهران: انتشارات روشنگران.
- حبیبی، محسن؛ ملکوتی، مژگان؛ اهری، زهرا، ایزدپناه جهرمی، آیدا؛ ایزدی، ندا؛ افشنگ، مانلی؛ کوشش، مهفام (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۷، تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی.
- شیرازی، علی‌اصغر؛ یونسی، میلاد (۱۳۹۰). تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره اول، شماره ۴: ۵۹-۶۹.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۳). معماری نوگرای ایرانی، معماری و فرهنگ، شماره ۱۸ و ۱۹: ۴۲-۴۶.
- _____ (۱۳۸۵). معماری در دارالخلافه ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، تهران: پشتون.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱). ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.
- کیانی، مسعود (۱۳۸۲). معماران دوره بیست‌ساله، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۱۲.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳). تأثیرات باستان‌گرایی بر معماری دوره پهلوی اول، تاریخ معاصر

- ایران، سال هشتم، شماره ۳۲: ۴۴-۵.
- مجتهدزاده، روح‌الله؛ نام‌آور، زهرا (۱۳۹۵). در جستجوی هویت شهری اهواز، تهران: وزارت راه و مسکن و شهرسازی.
- معرفت، مینا (۱۳۷۵). «پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند»، تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- میری نژاد، سعید (۱۳۹۲). «رمانتیسیم در معماری معاصر ایران» (با تاکید بر معماری دوره پهلوی دوم پس از سال ۱۳۳۲ شمسی)، نشریه هنرهای زیبا، دوره هجدهم، شماره ۱: ۹۱-۱۰۲.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱). نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشریه، تهران: نشر نی.
- هلالی، علی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر فرهنگ بر معماری دوره پهلوی اول در اهواز، همایش ملی شهرسازی انسان‌گرا، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین: ۱-۱۲.

